

نگاهی به شاهنامه ۷۳۳ قمری (شاهنامه شیراز)



محمدصادق میرزا ابوالقاسمی

ایرانی است. این کتاب چنان که سرشار از اسطوره، تاریخ و افسانه را در هم جمع در گرو رویارویی مداوم با طبیعت و سرافراز است، و گاه پیروز اما سرافکننده شاهنامه سرشار از حوادث کوچک و

شاهنامه آینه تمام نمای فرهنگ از مضامین پهلوانی و حماسی است، دارد. حکایت پر فراز و نشیب رستم سرنوشت رقم می‌خورد. گاه پیروز و از کارزار بازمی‌گردد. نمای داستانی

بزرگ، باور کردنی و دور از ذهن، عاشقانه و بی‌رحمانه است. داشتن مضامین متنوع و صور بیانی دقیق و مفصل داستانی شاهنامه، گیرایی دو چندان برای هنرمندان داشت و تقریباً در هیچ دوره ای نیست که نسخه ای از آن تهیه و مصور نشده باشد.

نخستین نسخه‌های شاهنامه که تاکنون معرفی شده است به اواسط قرن هفتم هجری قمری باز می‌گردد. در فاصله ای نزدیک به یک قرن نمونه‌های مصوری از شاهنامه موجود است. از مهم ترین این نسخ شاهنامه معروف شیراز است که تاریخ ۷۳۳ قمری دارد.

تاریخ این نسخه به دوره استیلای خاندان اینجو باز می‌گردد. موقعیت سلسله اینجو در فارس و نوع علاقه و پسند حکمرانانش، شیراز را به پناهگاهی برای هنرمندان و جایگاهی برای حفظ و تجلی نقاشی ایرانی مبدل ساخت. سیاق خاندان اینجو در هنر داری و هنرمند پروری بی تأثیر از حس همتمایی و مقابله با همسایگان مهاجم - مغولان - نبود. لازم به ذکر است که شاهنامه بزرگ ایلخانی نیز در همین اوان تهیه شده است و مقایسه نسخه ۷۳۳ ق شیراز و شاهنامه بزرگ ایلخانی، ویژگی‌ها و تأثیرات متقابل نگارگری مکتب شیراز و تبریز را به عنوان دو مرکز اصلی هنر ایران در نیمه اول قرن هشتم هجری قمری آشکار خواهد کرد.

نسخه‌هایی که در دوره آل اینجو در شیراز تهیه شده است - بین ۷۳۱ تا ۷۴۱ ق - ویژگی مشابه دارد. «تصاویر چالاک، با تحرک و حتی عجولانه و بی دقت ترسیم شده است. رنگ غالباً ناهموار کار شده و زیر طرح پیداست. رنگ گزینی گسترده دارد اما زمینه‌های قرمز و اخراپی غالب است. چشم انداز صحنه خیال انگیز بازنمایی شده است، اما بسیار دو بعدی می‌نماید و قواعد سنتی در آن بسیار کم رعایت شده است. مشخص ترین ویژگی سنتی آن تپه‌های کله قندی است» (بلر، ۴۶).

در دوره تسلط خاندان اینجو بر شیراز و در فاصله ای نزدیک به سه دهه، تعدادی نسخه خطی تولید شده،

خدشاه
 به خوروی
 شدک
 بند
 پید
 وشن
 شررید
 له مدار
 راست
 کما
 دهنس
 و نتهز
 ختبا
 او انبیل
 دزروب
 دهنسید
 رجم
 تاخفت
 مرز خون
 روشدک

به بر خوب رزیدن فطیما
 زیانده برامد پس دو خروذ

یامند دو صد و اثنی عشر روز
 از من کشت روشتر از آسمان

کتابت سیاه و سوز کمرانش

لپی از خطه دی برامید
 جنان چون روز رسم و ساز کفن

بلیاری برنشته سیاه
 برانده که شد بشکاو بریان



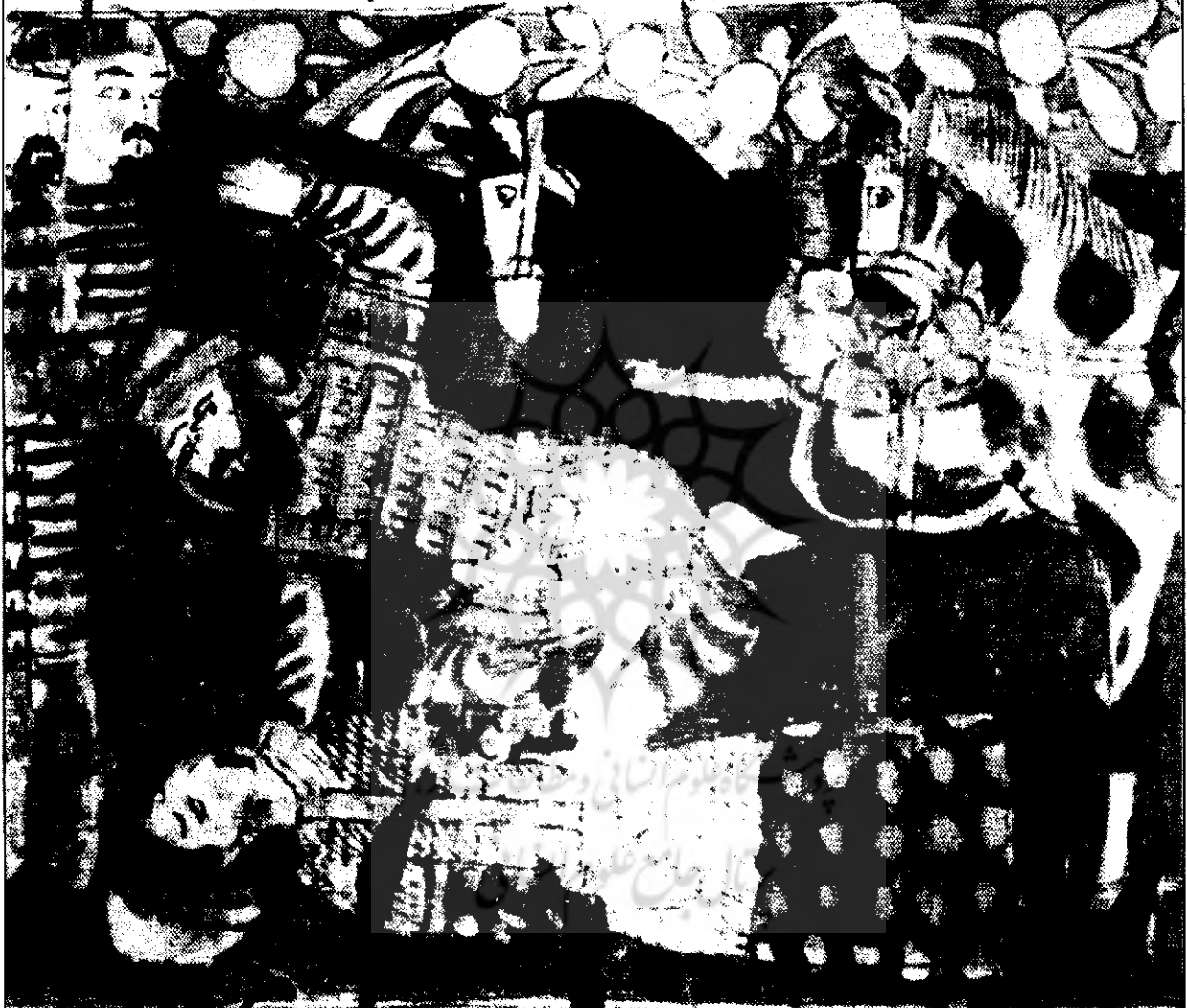
که تا او زانش بیاید دون
 زتری همد جا بهی رشدی

جواور بند بند بر خاشع
 جنان اینا بی و قبای سوان

دمیند
 جهانی
 بران ج
 بلی خو
 که می
 یازده
 سخن
 کوزن
 آری
 جهان
 از نرو
 غم کند
 شدند
 برامد
 بی بو
 کعبه
 زبان
 تو لغتی
 که اند
 نو کتی

رسم گرفت ان لیبای کلاه
فروزامد از استختلی همنک

بر هام داذان لوانا پیداسب
هیا زن و پیرلان براو کحتند



کلی رخید خسلوای کننید
کلا بر میرش عزیز اکین هبید

شش بر ابدیق و بختل و کلا
نکه لرد بسوز عانش ز را

آینه خیال



از آن سرگدما خوار با به سپاه
 جو بادا اثر آن رخ خواری بود
 ز دادار تنگی چه هفتاد کرد

باید پیشگان نیز بایند را ه
 غم و رنج و سختی که من برده ام
 آله از من چیز نماند بگسار

بیر شاه
 کرده ام
 و در آن بهر
 از سپاه
 یز از مهمان

جو رفتند در آنک بر و جوان
 خبر گفت سر نهان را به سپاه
 چه پند پندگان از آن

بر اندیشه بد جان تا بر او
 ظاهر گسارندیشه بر لوف
 دل و جان به روی اندام

مال او
 سر شکست
 و مانند ام

رنگ و رسم بهرام چو پیشه در خانه زنان



پنجید مردان حمام پس
بدستوری هرستان سه روز

بماض فراوان لرنجست و شابر

سفته بنشیاچه بختاب
سندکان می برستان شادک
اند جهان دارا با میزبان
راغز و خت اسن بر روز سپید
روز بر خوشان بدش بر روزش

آلله خدای

رختن سرب هوشان در کام کرم عقرباد به دست اردشیر

که تاکنون هشت نمونه آن معرفی و شناخته شده است. در میان این هشت نسخه، شاهنامه مصوری با ۹۲ مجلس و کتابت «حسین بن علی حسین بهمنی» وجود دارد، که قدیمی‌ترین است. این شاهنامه دو سال زودتر از نسخه ۷۳۳ ق، یعنی در سال ۷۳۱ ق تهیه شده است و در موزه توپقاپوسرا نگهداری می‌شود.

شاهنامه ۷۳۳ ق تمام ویژگی‌های نسخه پیشین خود را دارد و در مجموعه کتابخانه عمومی لنینگراد محفوظ است. این نسخه کامل نیست و افتادگی دارد. با اینکه حدس زده می‌شود بیش از ۴۰۰ صفحه داشته است، تنها ۳۶۹ برگ از آن باقی مانده است. متن کتاب در چهارستون ۳۳ سطری به خط نسخ و با مرکب سیاه نوشته شده است. عناوین را در مستطیل‌هایی با کادر قرمز رنگ و به خط ثلث نگاشته‌اند. نسخه مذکور ۴۹ تصویر دارد. مانند دیگر نمونه‌های شیراز، هیچ یک از نگاره‌ها تمام فضای صفحه را اشغال نمی‌کنند - به استثنای تصویر دو برگ سرآغاز کتاب. تصاویر بیشتر افقی ترسیم شده است و گاهی به شکل مربع در صفحه دیده می‌شود. از موارد شاخص این نسخه، حضور و تأثیر نقاشی در بیشتر مراحل فراهم آمدن کتاب است. خلاف روال کتاب آرایه ایرانی که تعیین فضای تعبیه شده برای نقاشی اغلب در اختیار نگارگر نبود و خوش‌نویس یا مسئول کارگاه هنری در مشخص کردن مجلس داستانی تصویرگری و حتی فضای اختصاص یافته برای نقاشی، دخالت و اعمال نظر می‌کرد، نگارگر شاهنامه ۷۳۳ ق در انتخاب مجلس خود آزاد بوده است. نسبت شدید نگاره‌ها به متن و تصویرگری عین به عین داستان تعریف شده در صفحه، می‌تواند گویای این مطلب باشد.

زمینه بیشتر نگاره‌ها به رنگ قرمز روشن و برخی زرد رنگ است. طبیعت پردازی بسیار خلاصه و مانند معماری ساده و مختصر است. منظره‌ها با یک یا چند بوته ساده گیاه نشان داده می‌شود و اغلب در حاشیه نگاره‌ها، شاخ و برگ و میوه‌ها یا گل‌های درشت و درخشان تصویر شده است. علف‌ها و درختان به رنگ زرد، قهوه‌ای و گاه قرمز است و جالب تر آنکه هیچ رنگ سبزی در تصاویر این نسخه دیده نمی‌شود. افق رفیع از نشانه‌های بارز نگاره‌هاست. پیکره‌ها بزرگ ترسیم می‌شوند و تقیدی در حفظ فضای مثبت و منفی دیده نمی‌شود. صحنه‌های نبرد بدون پرداختن به جزئیات ترسیم می‌شود و از لحاظ ترکیب بندی قوی است. شکوه و بزرگی نمایی پیکره‌ها خصوصاً در صحنه‌های نبرد و جنگ‌های

ساسانی و اوایل اسلام را نشان می‌دهد. «نگاره‌های شاهنامه»، صص ۳۱-۵۰)

نخستین گام‌های آشنایی و تأثیرات می‌کند. ویژگی‌های مغولی و چینی هر می‌شود و گل‌های نیلوفر و کلاه‌هایی با این ویژگی‌ها را به حساب آشنایی و آگاهی بدون آنکه علاقه‌ای به تقلید از نشانه‌های



تن به تن پیوند میراث شیراز با دیوارنگاری (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به کتاب نسخه خطی ۷۳۳ هجری قمری از مکتب تبریز بر مکتب شیراز حکایت چند مختصر، در نگاره‌های این نسخه یافت طرح مغولی از نشانه‌های آن است. می‌توان هنرمندان شیراز از شیوه مغولی گذاشت، نقاشی چینی و مغولی داشته باشند.

شاهنامه ۷۳۳ ق در عهد امیرمحمود اینجو در شیراز تصویر شده است. سبک و سیاق تصویرگری کارگاه‌های شیراز و نخستین پایه‌های شکل‌گیری مکتب شیراز در این نسخه مشهود است. مجالس منتخب اغلب صحنه‌های حماسی اند و بعد تاریخی. کاملاً مشخص است که در انتخاب‌ها دقت و قصدی نهفته است. نگاه فرمانروایان اینجو در پاسداشت میراث کهن ایرانیان و مقابله با مغولان تدبیری چنین را برانگیخته است. رونق و تکامل این شیوه از نقاشی را حدود نیم قرن بعد در عهد مظفریان همچنین دربار سلطان ابراهیم می‌توان مشاهده کرد. از بهترین نمونه‌های آن شاهنامه معروف سال ۷۷۲ ق شیراز است. سنتی که از نیمه اول قرن هشتم هجری قمری در شیراز آغاز می‌شود به عنوان یک اصل در نقاشی مکتب شیراز تداوم می‌یابد و نشانه‌های آن حتی در دوره‌های نزدیک دیده می‌شود. دوره زند و قاجار لحظات واپسین حیات و رونق این شیوه است و آخرین چشم انداز نقاشی مکتب شیراز هنوز پابرجاست. هنوز در کارهای آقا لطفعلی صورت‌نگر رنگ‌ها محدود و پیکره‌ها خصوصاً سر افراد بزرگ ترسیم می‌شود.

سنت تصویرگری شاهنامه در مکتب شیراز از نیمه اول قرن هشتم هجری قمری تا اواخر سده سیزدهم به رغم تحولات فراز و فرودهای متعدد همچنان در یک مسیر و اندیشه حرکت می‌کرد. شرح این حرکت در دفتری محفوظ است، که اگر چه پایانش تصویرگری شاهنامه داوری است و رقم «آقا لطفعلی» را دارد، آغاز آن را باید به نگارگر یا نگارگران شاهنامه ۷۳۳ ق تقدیم کرد.

منابع

بلر، شیلا، بلوم، جانان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، سروش، ۱۳۸۱
آدامووا، ایت، گیوزالیان، ل.ت، نگاره‌های شاهنامه ترجمه زهره فیضی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳

پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیروز تاکنون، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۸۴

تجویدی، علی اکبر، نگاهی به هنر نقاشی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.